

آگهی مناقصه

اداری و وزارت فرهنگ برای دانشکده پزشکی مقداری لوستر در ساختمان موجود است بمنافعه خریداری مینماید پیشنهاد روز چهارشنبه ۲۰/۸/۲۹ سیمه تیش سهره مبلغ یکهزار و قبول در روز پنجشنبه ۲۱/۸/۲۹ ساعت ۹ صبح باز و خواند ش ۱۷۵۰ اداره حسابه‌اری وزارت فرهنگ

تسلیمت

گرمای سرکار ستوان سبزی را بخود ایشان و به باز ماندگان تسلیم مسعود مقدم - پرویز مقدم

سهمای نفت انگلیس و ایران
رانت و شعبه های خود در
ناتها فرآورده های نفتی ایران
در پالایشگاه های کشور ساخته
بمعرض همه جور آزمایش
شده است بفروش میرساند

۲۲۱ب ۲۲۲ ۷-۸

آگهی

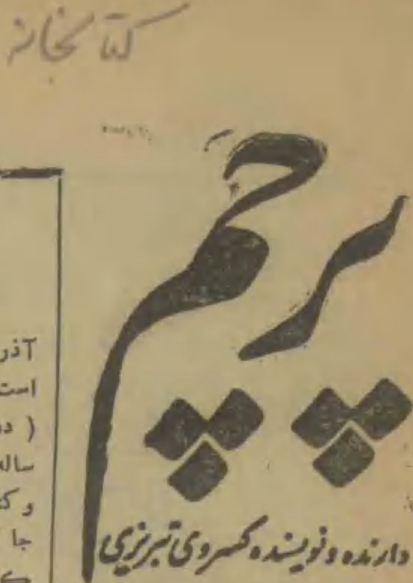
ری از مستندان و کسب به بینوایان انجمنی بنام (انجمن خیریه بهاری تاسیس روز دوشنبه ۱۸ آبان ساعت چهار بعد از ظهر در کوچه شهناز (خیابان باستور) افتتاح و شروع بکار خواهد نمود توجه خاصی که والا حضرتان نسبت برافزایش و آسایش عمومی زنان توان دارند مبلغ بانصد هزار و دویست شصت و انتظار و تلاش با نفوت نیز دوچین روزگار سختی در این کار خیریه احسبک بهم میهن مستمند و بی برک و نواى خود بر یکدیگر ایستد
چمن و طرز کار آن بعد از جرئت باطلاع عامه خواهد رسید
مدیر عامل انجمن - سرلشکر امان الله جهانبانی

جای اداره - لاله زار - محله بهران
- ۶۰۴۶ تک شماره در همه جا ۵۰ دینار

تنها برای احتیاجات
امنی به تصویب این
ریه و فروش این
ان مناطق زیادی
این موضوع از
۳ میلیون تومان
بود
این ماده بنیه و
کتابان میباید و بهر
و شد (صبح است)
باورزان شریکند
ا بالا بریم خلاصه
مؤسسه از بهر شریک
بین و بیرون و کار
می شود که در روز و ساعت مقرر دوم
مقرر بهر رسانند
تاریخ انتشار ۱۳۴۲
۲۱/۸
رئیس بخش شمال تیت املاک
گرمسیر بودجه با
عمل مهابدا تصویب
الحال کشاورزان
موضوع کشاورزی
بوعیت که دولتها
اتفاق کارگران
خریداری فراهم
ریکی از احتیاجات
نقی با کرباس
نی به خواهند در
این عمل خودکاری
بچاره بنیه کار برای
محتاج و نیازمند
خانجات هم ما قاف
میکردیم؛ در هر
بود و کار میکرده
مواد غذایی لازم
شتر و احتیاجات
اسفاه درت این
رومها گرفت

آقای وزیر - بیشتر موضوعاتی که آقای کلامی فرمودند صحیح بود و اینکه فرمودند در موضوع گذراندن قانون باید وضع مردم در نظر گرفت موضوع بسیار صحیح است و گمان نمیکنم که مخالف آن باشد

آقای نراقی - تیت امروز بنیه الا در کاشاکت ثلث قیمت جو است چرا این طور می کنید
آقای وزیر در پایان مطالب خود اظهار داشتند که بالاخره تعویب یارد منوط برای مجلس است
آقای ملک مدنی در پاسخ آقای وزیر بیانات مفصلی نمودند و اظهار داشتند که عدل چه اشکالی دارد؟ با ۳ میلیون عاید دولت از بین برود این بهتر است باز که دوسه میلیون جمیت کشور از بین برود گفته شد ختم جلسه
بصکاحت بعد از ظهر جلسه ختم جلسه آینده پرویز شهنه موکول شد



پاسخ به آقای منوچهر عدل

نخست باید بگویم که از اظهار تاتر خود داری نمی توانم زیرا این خود ما به تاتر است که در این کشور بیشتر نویسنده گان گذشته از آنکه در بند دلیل نمی باشند از هیچ گونه بیفرهنگی و زبان درازی نیز خود داری نمی بینند این بارها رخ داده که تا کسای در بیرون پاسخ آقای کسروی پاسخ: بان و پرچم کناره های نوشته اند ولی تنها چیزی که در آنست گفتار ما نمیتوان یافت پاسخ است بلکه با پاره و ناآرا صفحات این نامه و آن نامه را مانند دلائل سیاه گردانیده اند

آن سیاه دلان رسوا بداند که بزودی مرد بیفرهنگی خود را خواهند گرفت

خوشبختانه آقای منوچهر عدل در گفتار خود پیروی از آن سبک مفرا ن ننموده ولی من از ایشان کله مندم زیرا این نراست نویسنده ای که روی سخنش با یک مردی چون آقای کسروی است بسخنانی از قبیل (شبه خوابان برد) پردازد یا بگوید شما خیلی افراطی هستید و ایراد های شما مانند این است که > آدمی بپای اینکند و با داشته باشد خدایه اند اورا بدرومی آفرید

آقای منوچهر عدل بداند آقای کسروی از شاد برنگران بیرونه بداند سخنان آقای کسروی همه با کی و همه راستی است با اینحال از ایشان سیاسمند و این است که بیاسخ پرداخته میگویم: نخست شاد در طایفه بنده خود باقیباده افتاده اید من نیدانم شما احساسات را چگونه نمی بینید که خردمندان را فدای آن میدانید؟ احساسات تجبیزی است که کسی نداشته باشد تنها هر کس احساسات خود را در یک راه مصرف می کند این که کسای میگویند خردمندان را فدا کرده احساسات یک سخن بی باکی بیش نیست این سخن همیشه دستاویز فریبکاران است شاعران چون در مقابل ایراد های خردمندان پاسخی نداشته اند بچنین سخنان بویجی با سخنانی از یک یا بن برخاسته اند

آن احساساتی که مقصود هواداران شاعران است جز وهم و مبالغه و لیا نیست آری موسیقی در آدمی موثر است موسیقی یکی از خوشی های زندگی است و باید از آن بهره جست کسی را با موسیقی دشمنی نیست سخنان شیوا و لطیف هم در آدمی موثر است مخصوصا که شونده گویند آن سخنان را هم مرد بزرگ و با غری تصور نباید اینکه به آموزشها با چنان سرعنی در ایرات پیش رفته و ریشه درانیده اند از آن است که در قالب الفاظ شیوا و فریبنده با سجع و قافیه پرآکنده شده است این نشدنی است که خردمندان احساسات نداشته باشند راستی آن است که خردمند از هر چیز درشت را می خواهد آنچه خردمند را بر می انگیزاند همانا احساسات است

منتها خردمند با راهنمایی خرد از احساسات خود استفاده مینماید آیا می توانیم بگوئیم ستارخان و باقر خان و طباطبائی و بهبهانی احساسات نداشته اند؟ آیا می توانیم آن مردان جایز از وفادار و فاقه احساسات بدانیم؟

میتوانیم بگوئیم آقای کسروی که از درماندگیهای ایران بداند دلشور خنکی ها دارند فاقه احساسات میباشد

و اینکه گویند جلهه را احساسات ندارد و اینکه قرن ها شرفیان با کیشهای گوناگون زیسته اند آو آو (پیشینه های شرفیان دلی سوخته و گچی و گریبان دار معنی این سخن را می فهمد هر شرفی غیرت مند از این سخن تکان میخورد اشک در دیده گانش حلقه میزند حالی پیدا می کند

این ها را میتوانم که هم شایعی بای آن طبقه بندی خودی بر بیوهی پاسخ آید آنکه بی شرمانه میگویند (حال ندارد عاشق نیست) سخن شایع نه ای جان من خطا اینجا است (داده شود

یکم آخر ماه

با نخستین عید آزادگی
بآزادگان آگاهی میدهم که یکم آذر ماه (۱۱ پاییز) نخستین عید آزادگان است، آنروز چون نخستین شماره پیهان (در سال ۱۳۱۲) بیرون آمده ماهر ساله در تهران یاد آنروز جشن گرفته و کتاب سوزان کرده ایم. امسال در همه جا آنروز را عید گیرنده و نشست هابریا میکنند و یاد از پیمان و رنجهایی که در راه پیشرفت آن کشیده شده بیان آورند (دست کشیدن از کار نباید)

در باره کتاب سوزان برای آنکه در همه شهر ها در آن هنگام بخاری در میان باشد و نیازی با آتش جدا گانه نیفتد به یکم دیماه وای گزاریم که جدا گانه عیدی باشد

صندوق پست

آمل - آقای سید کل آقا سالیانی: امیدمندیم جناب آقای کاظمی و عده خود را در باره اجرای قانون «افزانه اولاد» و «افزانه باز نشستی» بخار خود هدایت و شما نیز آسوده خواهید بود

تبریز - آقای غلامحسین شکوهی: از کله ناله نتیجه تواند بود

رضایه: آقای محمد قادری: بسیار بیداد گرایی که از اشرار هوا داری کنید و با فاسد بافی پردازید اگر بناسات تاراج دبه های رضایه و شاپور و دیگر کارهای بد نداشته اشرار کرد انکار کرده شود دیگر چه چیز است که انکار توان کرد؟ بد بخت توده ای که اینگونه تعصب های پیشردانه در میان آنات رواج باید

غوی - آقای غلامرضا امیر لک کار: شاراج بد اکثریت

شامیگویند «چکنر» بسیار در مانده موقی که محروم است باغوان آن آواز خود را سرگرم میکنند وقتی که یک نفر به آواز خود تان شررا بخواند از هم و هم دیافارغ میشود باز که اینک یک خردمند پیروده همکیت نشود و اگر شکنج شد هر مایه تسلی او نتواند بود کریم که شعر بگوید از غم خلاص شود

آیا برای همین ما باید از زبانهای شعر چشم پوشیم؟ مقصود را با مثالی روشن میگردد نام چنین انگارید یکی از آشنایان شما برای انجمن کاری بر می خیزد ولی بملی موفق نمیشود

شاهم برای آنکه آن آشنایان را از تان و تانده بیرون آورد بنشیند و از منوی ستارخان شررا برایش بخواند: کس نند از چه دگر من تمام

من در آن معذور باشم و السلام یا آواز حریف برایش بخوانید بعد و چه چو کاری نیرو از پیش بگرد کارها کرده به مصالح خویش ممکن است باین سخن از هم و غم خلاصش کنید ولی مطمئن باشید کاهول حس غیرتمندی و فعالیت میدهد را در او گفته اید سپس بطبع از حالت تان و آندوه بیرون خواهد گردید

خودتان قضاوت میفرمایم چون این شعرها آن آشنایان از غم نجات داده و بقول شما یکی از نیازمندی های او را بر آورده بپاداد است

شامیگویند: «چکنر» شاعر از خواندن این شعر را هر شب من منوی نژوی دارد. الی آخر حالی پیدا میکند که شما خودتان تصدیق نموده اید که بیوالله های بی معنی نباید پرداخت تصدیق نموده اید (شعر سخن است و سخن جز بیگانه نیاز نباید گفت) از شامی برسم اولاً شاعر بچنین گرافیکونی چه نیازی داشته این چه جنونی است که کسی معشوق خود را به گره ماه تشبیه کند؟ این چکونه نشیبی است؟ آدمی سبکا و گره ماه کجا؟

و اینکه میگویند (حالی پیدا میکند آن حال جز مبالغه و لیا نیست) که خود ارادتند دچاوش بوده ام (پیشینه های شرفیان دلی سوخته و گچی و گریبان دار معنی این سخن را می فهمد هر شرفی غیرت مند از این سخن تکان میخورد اشک در دیده گانش حلقه میزند حالی پیدا می کند

چرا بنکار از راهش نمی آید؟

این را هم بترسیم که زمینه آرومان و کوششهای ما تنها ایران نیست من و یارانم جدایی میانه ایرانیان و دیگران نمیگزاریم ما بنیک را برای همگی میخواهیم و پرستکاری همگی میکوشیم آن منمائی که دیگران به نژاد توده می دهند و تعصب و دشمنی با دیگران را شرط میبند پرستی می شمارند ما نمی شماریم در نزد ما نژاد ها و توده ها حکم خاندانها را دارند که چنانکه در خاندانها هر یکی از آنها جدا گانه می زند و در داخل خانه خود آزاد است ولی در بیرون با دیگر خاندان ها روابطی دارند یا یکدیگر با همدستی و مهربانی راه می روند توده ها نیز چنین باید بود

بهر حال این دخالت در کارهای ایران و اینکه شما ها را بهمدستی میخواهیم تنها از آن راه است که در این کشور میباشیم و اینجا خاد ماست ما می بینیم بیچاره مردم این کشور نه تنها در ادبیه آید نیستند و هیچ نمی گویند در انجمن بر کشاکش سر وشت ما چه خواهد بود نه تنها چشم براه حوادث دوخته اگر از دولتی فشار و سختی می بیند روی دل بسوی دشمنان او بر گردانیده دفع این را از آن میخواهند نه تنها آلودگیهای خود را در نمی یابند و در بن چاره آنها نمی یابند، یکبار سرورشته را کم کرده اند و در چنین هنگامی که چنگ و گرسنگی این کشور را تهدید میکند در بند خود و خاندانان نمی باشند

اینهاست که ما را وادار میکند که جمیث برپا کنیم و روز نامه بنویسیم و با دولت و با دیگران طرفیت نماییم و هر زمان یک موضوع سخت دیگری بردازیم بیکرمان بآذربایجان و داستان زبان ترک که عنوان بدست یکدسته هوسبازان نامم داده بود پرداخته بکشیم، بیکرمان برضایه توجه کرده دولت را وادار فرستادن نیرو نمایم، بیکرمان قضیه خلخال را دنبال کنیم، بیکرمان در باره خرابار نویسیم - اینجا همگی برای آنست که در چنین روزی از دلشوری بهم می بینیم خود باز نایستیم و کر نه نمن ونه یارانم کمترین سودی از این کار ها چشم نمائیم هر یکی از ما ها با دست رنج خود زندگی می کنیم من در چنین سال سختی فرزندان و خاندان خود را از درآمد و کالت اداره می کنم این روز نامه را که می نویسم من رنج آن را می برم و یکدسته از همراهان غیرتمند نیز زبان پولش را می بردانند

مادامان باین بچکان یکتانه می سوزد که اگر نکوشیم و چاره نکنیم بشومی این آلودگیها و درختان گیاهی شما از گرسنگی و از آسیب چنگ کنند ما خواهند دید دلمان باین زنان چشم بسته و نا آگاه میسوزد که اگر جلونگیریم با آسیب های دلخراش و روبرو خواهند گردید اینست رنج و راپنود هموار گردانیده بدیشان می گوئیم اگر با اینحال باز شما بخود نیایید و همدستی ما نکنید اگر باز تنها بگذرید و ناله می کرده تنها چاره همت را بشتانید، بداندید درمانت نخواهید پذیرفت بداندید که از دست روزگار مشت های دندان شکنی خواهید خورد بارها گفته ام شما نادانانی هستید که میخواهید آتین خدا را بهم زنید ما می گوئیم ما نخواهیم کوشید و دست بهم نخواهیم داد و با اینحال آسود می زندگی خواهیم کرد

مر شگفت افتاده پر پرور در رضایه و دیروز در خلخال آت گرفتاری بود و ما با گفتار و کوشش تا اندازه ای که می توانستیم بیآوری کوشیدیم ولی همین که داستان پایان رسیده می بینم مردم خود را کنار کشیده اند و هیچ نمی گویند آن روز نامه ای که دیروز آن فدا کاری را در راه ما کرد و با یک نیرو های خطرناکی طرفیت کرد و با دولت مخالفت نشان داد یک مقاصد را دنبال می کند مقاصد نیکو و باره کشور و توده می باشد پس ما نیز همراهی با او کنیم پس گویند که ما آرزو داریم و ندیده که بیکروز تمام چون از سوی یک باعمادی نوشته میشود آن دستگیری مهمی را از ما نمود پس ما نیز باقیات پیروانیم دیگر بیکرمان تر بمانند و در روز های سخت آینده بدو این کشور بفرستیم بد بختیای بیچاره سر کلافه را کم کرده اند و چون غایبه فرو نشسته هر کسند بی هوسهای خود رفته اند و امروز ها که داستان نان سخت گردیده می بینم بی آنکه هیچی بروی خود بیاورند بیای تلگراف و ناله شکایت و ناله می فرستند که تو گوئی ما اینجا نشسته ایم که هر زمان که آنها حس دردی کردند و بفرایدی برخاستند ما نیز پیروی از آنان نماییم در اینجا است که باید بگویم ای بیچارگان و ای بیچارگان

شما میگویند اگر سدهی در سراسر بوستانش و گلشنش چنگ گفته باشد مثلا برای اینکه یکبار از دماش در رفته و گفته اند آدمی شریعت بین آدمیت و بی آدمی اعضای یکدیگرند باید همیشه او را بریزیم این بدان مانده که بگویم چون جناب آقای اسفندیاری روزی در سخن عید العظیم چته تومانی به بی توانان داده (آدم برای قریب و خود نمایی) که خود چایلو سوسا «آدمی بی آسود» که توده بیست مایوی را در پرده چشم پوشید و بیوایش برخش کشید و بکش داریم تازه همین شعر تن آدمی شریعت چان آدمیت غلط است زیرا جانت «آدمیت» با جانت «میوانیت» یکی است آن روان است که آدمی را از دیگر جانداران جدا میسازد همان سدهی که گفته بی آدمیاضای یکدیگرند در جای دیگر آن گفته خود را باطل نموده و او را بر ناس را گفته است آنکه را خیه بهجاری قناعت زده اند گرچه آنرا لاله گرد غم و برانی نیست در همین شعر ساده و فریبده چند یاد آموزی خفته ۱ - میدانی آن غایتی که شاهران میگویند جز گدایی و خافه نشینی نیست ۲ - یعنی اگر تو قانع بودی زن و فرزند خانه و کچال نداشتی اگر جهان را از لاله کرد و همه چیز از بین برود و همه زیر آوار بپزند ترا نمی بیند اینها را میتوانم که شما به پستی این سدهی (با عظمت و کبریا) بی بری اینها را می نویسم که بداندید باید نام خوشحال خاطر ها محو شود شما می گویند «اگر ما یکی یکی افراد برجسته و نوبندگان و نواب خود را به پنهان آنکه در دیوانشان یک نسخه مخالف فعالیت پیدا شده تکبیر کرد و در نظر خود آمان را بقدر و قیمت سازیم غرور ملی نخواهیم داشت گفته آن که دیوان آن نواب پرازدی آموخته ای جریگری و صوفیگری و خرابانگیری است و شما را خود باز نخواهیم ماند

پارچم - آقای س: در آغاز گفته خود از بیفرهنگی روزنامه نویسان خود را دیگران نیز می نمایند ولی چنانکه بارها نوشته ایم باید اینان این سببها را از خود نشان دهند تا روزی رسد سزا شان باشد ما باین باوه گوئیم از راه خود باز نخواهیم ماند

پارچم - آقای س: در آغاز گفته خود از بیفرهنگی روزنامه نویسان خود را دیگران نیز می نمایند ولی چنانکه بارها نوشته ایم باید اینان این سببها را از خود نشان دهند تا روزی رسد سزا شان باشد ما باین باوه گوئیم از راه خود باز نخواهیم ماند

به نسبت جشن شورش بزرگ روسیه

یکی از سرداران نامی روس



پس از آنکه سال گذشته در هیئت موقع مارشال نیروشنکو سپاهیان آلمانی را از رست بیروت راند در بین توده روس و توده های دیگر جهان بنام گردید و این اشتها هنگامی زیادت یافت که فرماندهی نیرو مدافع استالینگراد را نیز بر عهده گرفت و با پیش بسیاری از این شهر دفاع نمود

از تبریز: بقلم حسین دادپرور ترجمه و تلخیص از روزنامه اولوس چاپ آنکارا

چهارمین زمستان دهشتناک جنگ جهانی سوز در حال فرار سیدن است

پاره شده و دور شیده اند ۱۰ جبهه خاور

الیه تمام صفحات جنگ را نمی شود در این ستونهای کوچک شرح داد لیکن جنگ روسیه بسیار مهم بوده و اجازه میفرمایم مختصری در احوال آن گفتار خود برویم شوروی اعلان جنگ داده و این جنگ خانمان بر انداز خارنده ملامت که ادامه دارد و خدا میداند کی تمام خواهد شد چنانچه همه میدانیم آلمانها به بهانه اینکه روسها در صدد حمله با آلمان بودند این جنگ را شروع کردند و در وهله اول چون روسها قصد حمله نداشته و بسج مسکنی ننموده بیهار اخیری حاضر نبوده ولی بهمانند فرانسویها در غیاب بودند آلمانها از فرصت استفاده نموده با سرعت هر چه تمامتر پیشرفت نمودند تا کار بجایی رسید که نازیهان توانستند تا حوالی مسکو پیش روند ولی مقاومت جوانان روسها بیشتر از آن بشناشش اجازه پیشرفت را نداد و از همان وقت میتوان گفت که جنگ بدو در دیگری وارد شده بالاخره در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۲ درجاول خمارک حمله شدید بر > دون > بزرگ آغاز شد و دبداه همین حمله تا و لقا و تقارن ها رسید

مقصود اصلی آلمانها را میتوان به شرح زیر خلاصه نمود: ۱ - قطع روابط سپاهیان جنوبی با شمال ۲ - بدست انداختن مادن نفت قفقاز ۳ - وادار نمود روسهارا به عقب نشینی تا پشت کوه های اورال در اینجا کنه ای باخارم رسید و آن است است تار وقت روسیه به نابود کردن رسید (سیری) راه دارم از خسته نشود تشرف یاورید آری در این جنگ دومی اگر چه روسها خیلی اراش حاصلتیز از دست داده اند ولی انصاف آلمانها هم ضایعات و تلفات بزرگی داده و خسته شده اند

باری در این جنگ میلیونها ملیونها را ضرر و نا بود می کنند و مدنیت جهان هم مع و نا بود میشود و اگر با این وضعیت ناگوار یعنی با این عزم واضح طرفین جنگ ادامه پیدا نماید چنانچه بعد می کند معلوم نیست یشر بچه روز میاه خواهد افتاد و دنیا چنان خواهد شد ۱۱ اجدال آلمان با آنچه رنج خوابیای که میگرد چارمین زمستان هم رسیده و نه توانست کار روسیه را قیمله دهد و قهرام نخواهد توانست کاری را انجام دهد بدین است طولانی شدن جنگ هم بتفکین فرصت تهیه نمودن اسلحه و مهمات و مواد لازم را میدهد

در این جنگ میلیونها ملیونها را ضرر و نا بود می کنند و مدنیت جهان هم مع و نا بود میشود و اگر با این وضعیت ناگوار یعنی با این عزم واضح طرفین جنگ ادامه پیدا نماید چنانچه بعد می کند معلوم نیست یشر بچه روز میاه خواهد افتاد و دنیا چنان خواهد شد ۱۱ اجدال آلمان با آنچه رنج خوابیای که میگرد چارمین زمستان هم رسیده و نه توانست کار روسیه را قیمله دهد و قهرام نخواهد توانست کاری را انجام دهد بدین است طولانی شدن جنگ هم بتفکین فرصت تهیه نمودن اسلحه و مهمات و مواد لازم را میدهد

در این جنگ میلیونها ملیونها را ضرر و نا بود می کنند و مدنیت جهان هم مع و نا بود میشود و اگر با این وضعیت ناگوار یعنی با این عزم واضح طرفین جنگ ادامه پیدا نماید چنانچه بعد می کند معلوم نیست یشر بچه روز میاه خواهد افتاد و دنیا چنان خواهد شد ۱۱ اجدال آلمان با آنچه رنج خوابیای که میگرد چارمین زمستان هم رسیده و نه توانست کار روسیه را قیمله دهد و قهرام نخواهد توانست کاری را انجام دهد بدین است طولانی شدن جنگ هم بتفکین فرصت تهیه نمودن اسلحه و مهمات و مواد لازم را میدهد

لامپهای کمولت

و ۲۲۰ ولت اقسام از برای خیک و سبایای مدرن را از اکثر یکی و حده در چهار راه پوسنه آذربایدری فرمایند

